

## عدالت امام از دیدگاه امام رضا علیه السلام با تأکید بر عدالت اجتماعی

حسن صادقی\*

### چکیده

یکی از ویژگی‌های امامان معصوم علیهم السلام، عدالت به ویژه عدالت اجتماعی است؛ چراکه اگر ایشان از این ویژگی برخوردار نباشند، نمی‌توانند به مسئولیت‌ها و وظایف خویش عمل کنند. این نوشتار می‌کوشد با روش اسنادی و تحلیلی، با توجه به روایات نقل شده از امام رضا علیه السلام ضرورت، راه کشف، آثار و ابعاد عدالت امام با تأکید بر عدالت اجتماعی را بیان، و تفاوت آن را با دیدگاه‌های کلامی غیرشیعه روشن نماید. توجه به روایات امام رضا علیه السلام از این جهت حایز اهمیت است که در زمان ایشان، مسائل اساسی اسلام بیشتر مورد گفت‌وگو قرار می‌گرفت. همچنین ایشان به حسب ظاهر مدتی منصب «ولیعهدی» داشته که این دو عامل، زمینه را برای گفت‌وگو درباره عدالت اجتماعی امام فراهم ساخته است.

کلیدواژه‌ها: امام، امامت، عدالت، عدالت اجتماعی، عصمت، امام رضا علیه السلام.

## مقدمه

۱۰. آیا عدالت اجتماعی امام می‌تواند جهانی باشد؟ این مقاله برای پاسخ دادن به این سؤالات، با توجه به مبنایی بودن تعریف امامت و به تبع آن، عدالت، نخست امامت و عدالت را تعریف کرده و سپس مسائل عدالت از قبیل اشتراط عدالت در امام، دلیل اشتراط عدالت در امام، راه‌کشف عدالت امام، آثار عدالت امام، ابعاد عدالت امام و عدالت اجتماعی امام و برخی از مسائل آن را از دیدگاه امام رضا (علیه السلام) مورد بررسی قرار می‌دهد و برای روشن شدن دیدگاه شیعه و به طور خاص دیدگاه امام رضا (علیه السلام)، به دیدگاه‌های کلامی اهل تسنن اشاره می‌کند.

## تعریف عدالت

عدالت از ریشه «عدل» است و ریشه «عدل» دو معنای متضاد دارد: نخست به معنای استواء (برابری) و دیگری به معنای اعوجاج (کجی و کج شدن).<sup>(۲)</sup> از این رو، به چیزی که همانند چیزی است، گفته می‌شود: «عدل آن است» و «روز معتدل» یعنی روزی که گرما و سرمای آن برابر است.<sup>(۳)</sup> به همین خاطر، راغب اصفهانی بر این باور است که لفظ «عدالت» و «معادله» اقتضای برابری دارد.<sup>(۴)</sup> بر همین اساس، برخی از دانشمندان معاصر، معنای لغوی «عدل» را «هر چیزی را به جای خود نهادن، یا هر کاری را به وجه شایسته انجام دادن» بیان کرده و عبارت مشهور «العدل وضع کل شیء فی موضعه» را ذکر کرده‌اند.<sup>(۵)</sup> توجه به مفهوم لفظ «ظلم» که در برابر «عدل» است، تأیید خوبی برای لحاظ مفهوم «برابری» در لفظ «عدل» است. به گفته راغب اصفهانی، «ظلم» نزد اهل لغت و بیشتر دانشمندان به معنای «چیزی را به جای ویژه خود نهادن» است و به این صورت تعریف می‌شود: «الظلم وضع کل شیء فی غیر موضعه المختص به».<sup>(۶)</sup> بنابراین، مفهوم «ظلم» هنگامی تحقق می‌یابد که برابری

یکی از مسائل اساسی و مهم امام‌شناسی، عدالت امام به ویژه عدالت اجتماعی امام است که مبتنی بر چگونگی تعریف امام و امامت است. روشن است که هر نوع تعریف امام در اتخاذ دیدگاه در مورد مسائل گوناگون عدالت، تأثیر خواهد گذاشت. در میان مباحث عدالت، عدالت اجتماعی مسئله‌ای حایز اهمیت است. از سوی دیگر، احادیثی که از وجود مبارک ثامن الحجج علی‌بن موسی الرضا (علیه السلام) نقل شده است، معارف ارزشمند و گران‌بهایی دارد که با تأمل و تفکر در آنها و بررسی آنها گنجینه‌های فراوانی را می‌توان استنباط نمود که در زندگی علمی و عملی ما کاربرد داشته باشند. تأکید بر روایات امام رضا (علیه السلام) به این دلیل است که در زمان ایشان مسائل اساسی اسلام بیشتر مورد گفت‌وگو قرار می‌گرفت.<sup>(۱)</sup> همچنین امام رضا (علیه السلام) به حسب ظاهر مدتی «ولیعهد» بودند و این دو مسئله زمینه را برای گفت‌وگو درباره عدالت اجتماعی امام فراهم آورده بود، همان‌گونه که از روایات استفاده می‌شود.

نگارنده با جست‌وجویی که انجام داد، پژوهشی پیرامون عدالت و عدالت اجتماعی از دیدگاه امام رضا (علیه السلام) نیافت و امیدوار است این پژوهش در این زمینه مفید واقع شود.

سؤال اصلی پژوهش این است که دیدگاه امام رضا (علیه السلام) درباره عدالت امام به ویژه عدالت اجتماعی امام چیست؟ سؤال‌های فرعی نیز عبارتند از: ۱. امامت چیست؟ ۲. عدالت به چه معناست؟ ۳. آیا عدالت در امام شرط است؟ ۴. دلیل اشتراط عدالت در امام چیست؟ ۵. راه کشف عدالت امام چیست؟ ۶. عدالت امام چه آثاری دارد؟ ۷. ابعاد عدالت امام چیست؟ ۸. عدالت اجتماعی امام به عنوان یکی از ابعاد مهم عدالت امام به چه معناست؟ ۹. آیا عدالت اجتماعی امام ضرورت دارد؟

چیزی با جای ویژه خود رعایت نشود و مفهوم «عدل» هنگامی تحقق می‌یابد که برابری چیزی با جای ویژه خود رعایت شود. بنابراین، مفهوم عدل و ظلم در امور تکوینی، تشریحی و اعتباری صدق می‌کند. به عبارت دیگر، عدل و ظلم هر چیز به حسب خود آن است.

عدل چه بود وضع اندر موضعش

ظلم چه بود، وضع در ناموضعش<sup>(۷)</sup>

برخی عدل را این‌گونه تعریف نموده‌اند: «عدل حد وسط و میانه افراط و تفریط است، به گونه‌ای که در آن هیچ نقصان و زیاده‌ای نباشد.»<sup>(۸)</sup> به نظر می‌رسد این تعریف، تعریف به لازمه است، همان‌گونه که علامه طباطبائی پس از آنکه تعریف عدل به «لزوم وسط و دوری از افراط و تفریط» را تعریف به لازمه معنا می‌دانند، دلیل آن و معنای عدل را چنین می‌فرمایند: «عدل اقامه مساوات و موازنه میان امور است به اینکه به هر امری آنچه سزاوار آن است، داده شود. در نتیجه، همه امور در جایگاهی که شایسته آن است، قرار گیرد.»<sup>(۹)</sup>

منظور از «عدالت امام»، «نهادن امام هر چیزی را به جای خود و انجام دادن هر کاری را به وجه شایسته آن» است. این معنا هنگامی به طور کامل تحقق می‌یابد که امام هر کاری را در جای خود انجام دهد و هر سخنی را به جای خود بگوید و در کار و سخن خویش دچار خطا و اشتباه نشده و از حقیقت منحرف نشود. این مرتبه دقیقاً همان «ترک هر نوع زشتی و سهو و خطا، چه عمدی و چه سهوی، چه در خردسالی و چه در بزرگسالی» است که در اصطلاح کلام، «عصمت» نامیده می‌شود.<sup>(۱۰)</sup>

بنابراین، منظور از عدالت همان عصمت به معنای رایج نزد امامیه است که مورد اتفاق امامیه است، همچنان‌که مرحوم لاهیجی عصمت را مرادف با عدالت می‌گیرند و می‌فرمایند: «مراد ما از عصمت در امام نیست، مگر عدالت.»<sup>(۱۱)</sup> مرحوم مظفر اعتقاد شیعه را در مورد

عصمت امام چنین بیان می‌فرمایند: «ما معتقدیم که امام همانند پیامبر باید از همه زشتی‌ها و گناهان، چه ظاهری و چه باطنی، از کودکی تا بزرگسالی، چه عمداً و چه سهواً معصوم باشد، همچنان‌که باید از سهو و خطا و نسیان معصوم باشد.»<sup>(۱۲)</sup>

شایان ذکر است عدالت به معانی دیگری نیز به کار

می‌رود که عبارتند از:

۱. ملکه‌ای است حاصل در نفس انسان که به سبب آن قادر می‌شود بر تعدیل جمیع صفات و افعال و نگاه داشتن در وسط و رفع مخالفت و نزاع فیما بین قوای مخالفه انسان، به نحوی که اتحاد و مناسبت و یگانگی و الفت میان همه حاصل شود.<sup>(۱۳)</sup> این اصطلاح در حکمت و اخلاق به کار می‌رود.

۲. بازداشتن خود از ستم به مردمان و دفع ظلم دیگران به قدر امکان از ایشان.<sup>(۱۴)</sup> این معنا ناظر به بعد اجتماعی عدالت است.

۳. ملکه و قدرت نفسانی‌ای است که در نفس رسوخ کرده و آن را به انجام واجب و ترک گناه و مرورت و اदार می‌کند.

۴. انجام واجب و ترک گناه.<sup>(۱۵)</sup>

دو معنای اخیر بیشتر در فقه و در بیان شروط امام جمعه و جماعت و... به کار می‌رود. در برابر دو معنای اخیر عدالت، فسق به معنای انجام گناه و ترک واجب یا نبود ملکه یاد شده است.<sup>(۱۶)</sup>

بنابراین، عدالت به پنج معناست: ۱. عصمت اصطلاحی؛ ۲. ملکه نفسانی تعدیل‌کننده جمیع صفات و افعال؛ ۳. ظلم نکردن به دیگران؛ ۴. مکلّه نفسانی و ادارکننده بر انجام واجب و ترک گناه؛ ۵. فعل واجب و ترک گناه.

از مطالب یادشده روشن می‌شود که عصمت، بالاترین مرتبه عدالت است و نیز عدالت به معنای جامع و کلی «هر چیزی را به جای خود نهادن، یا هر کاری را به وجه شایسته انجام دادن» است که کاربردهای یادشده مصادیق گوناگون آن معنای کلی و جامع است.

## تعریف امامت و جایگاه آن

امامت در لغت به معنای پیشوایی کردن است<sup>(۱۷)</sup> و در اصطلاح علم کلام به این معنا می‌باشد: ریاست عام در امور دین و دنیا<sup>(۱۸)</sup> برای شخصی به نیابت از رسول الله ﷺ<sup>(۱۹)</sup> برای تبیین امامت و مقام ارزشمند آن گوشه‌ای از بیانات ارزشمند امام رئوف امام علی بن موسی الرضا علیه السلام را مورد توجه قرار می‌دهیم: «قدر امامت جلیل‌تر، شأن آن بزرگ‌تر، جایگاهش بلندتر، مکانش منبع‌تر، ژرفای آن عمیق‌تر از آن است که مردم با عقل خود به آن برسند، یا با انتخاب خویش امامی را نصب کنند. به راستی امامت [مقامی است] که خداوند متعال آن را بعد از مقام نبوت و خلت (خلیل الهی) در مرحله سوم به ابراهیم خلیل اختصاص داد و فضیلتی است که او را به آن شرفیاب نمود و به وسیله آن نامش را بلندآوازه قرار داد و فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾ (بقره: ۱۲۴)؛ به راستی تو را امام مردم قرار دادم. در فراز دیگری از حدیث شریف می‌خوانیم:

امامت مقام پیغمبران، میراث اوصیا، خلافت الهی، جانشینی رسول خدا - صلی الله علیه وآله - مقام امیرالمؤمنین و یادگار حسن و حسین - علیهما السلام - می‌باشد. به راستی امامت زمام

دین، مایه نظام مسلمین، صلاح دنیا و عزتمندی مؤمنان است. همانا امامت ریشه اسلام بالنده و شاخه بلند آن است. کامل شدن نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و فراوانی غنایم و صدقات و اجرای حدود و احکام و نگه‌داری مرزها و اطراف کشور، به وسیله امام انجام می‌گیرد. امام است که حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می‌کند و حدود الهی را برپا داشته و از دین خدا دفاع می‌کند و با بیان حکمت‌آمیز و اندرزهای نیکو و دلیل‌های رسا، [مردم را] به سوی پروردگار خویش دعوت می‌کند.<sup>(۲۰)</sup>

## اشتراط عدالت در امام

در اشتراط عدالت در امام میان دانشمندان شیعه و اهل‌تسنن اختلاف وجود دارد. به اتفاق امامیه و اسماعیلیه عدالت به معنای عصمت شرط امام است،<sup>(۲۱)</sup> ولی بیشتر اهل سنت نه تنها عصمت را شرط امام نمی‌دانند،<sup>(۲۲)</sup> بلکه عدالت به معنای گناه نکردن یا ستم نکردن را نیز شرط نمی‌دانند و تصریح می‌کنند که امام با فسق و ظلم از امامت خلع نمی‌شود. باقلانی می‌گوید: «جمهور از اهل اثبات و حدیث گفته‌اند: امام با فسق و ظلم به خاطر غضب اموال و... خلع نمی‌شود.»<sup>(۲۳)</sup> همچنین بیشتر اهل سنت عقیده دارند پیروی از امام تا زمانی که با حکم شرع مخالفت نکند، واجب است، چه امام عادل باشد و چه جائز.<sup>(۲۴)</sup> البته برخی از اهل سنت عدالت را شرط امام می‌دانند.<sup>(۲۵)</sup> مبنای اختلاف در اشتراط و عدم اشتراط عدالت را باید در تعریف امامت جست. شیعه بر اساس آنکه امامت را ادامه رسالت می‌داند، عدالت در بالاترین مرتبه را شرط می‌داند و اهل سنت چون سطح امامت را تنزل می‌دهد و امام را از افراد عادی تلقی می‌کند، یا عدالت را شرط نمی‌داند یا در حد اندک شرط می‌داند.

دلایل استوار بر اشتراط عدالت (عصمت) امام دلالت دارد که برای پرهیز از طولانی شدن بحث، از ذکر آنها صرف‌نظر کرده و تنها به بیانات امام رضا علیه السلام بسنده می‌کنیم. بر اساس روایاتی که از امام رضا علیه السلام نقل شده، ایشان عدالت در حد عصمت را شرط امامت می‌دانند. در ذیل، به برخی از این روایات اشاره می‌شود:

۱. ایشان در حضور شیعیان، متکلمان و دانشمندان کوفه که در میان آنان دانشمندان یهود و نصارا نیز حضور داشتند، فرمودند: «بدانید امام بعد از محمد صلی الله علیه و آله تنها کسی است که برنامه‌های او را تداوم بخشد، هنگامی که امر (امامت) به او می‌رسد، و امامت تنها شایسته کسی است

عصمت از هر گناه و لغزش عمدی و سهوی، صغیره و کبیره، در خردسالی و بزرگسالی و... دلالت می‌کند و این است عصمتی که شیعه بدان اعتقاد دارد.

### دلیل اشتراط عدالت در امام

چنان‌که اشاره شد، دلیل اشتراط عدالت در امام را باید در تعریف امام و امامت شمرد. دلیل اشتراط شامل دو دلیل ثبوتی (واقعی و با صرف‌نظر از دلیل لفظی و مقام اثبات) و دلیل اثباتی است. دلیل ثبوتی آن است که مقام امام و امامت - همچنان‌که گوشه‌ای از آن در حدیث امام رضا علیه السلام بیان شد - اقتضا دارد که عدالت در امام وجود داشته باشد. برای تذکر حدیث یادشده ناگزیریم بخشی از آن را تکرار کنیم: «امامت خلافت الهی، جانشینی رسول خدا - صلی الله علیه و آله - مقام امیر المؤمنین و یادگار حسن و حسین - علیهما السلام - می‌باشد. به راستی امامت زمام دین، مایه نظام مسلمین، صلاح دنیا و عزتمندی مؤمنان است. همانا امامت ریشه اسلام بالنده و شاخه بلند آن است. کامل شدن نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و فراوانی غنایم و صدقات و اجرای حدود و احکام و نگه‌داری مرزها و اطراف کشور، به وسیله امام انجام می‌گیرد. امام است که حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می‌کند و حدود الهی را برپا داشته و از دین خدا دفاع می‌کند و با بیان حکمت‌آمیز و اندرزهای نیکو و دلیل‌های رسا، [مردم را] به سوی پروردگار خویش دعوت می‌کند.»<sup>(۳۱)</sup>

حال این سؤال مطرح است که آیا امام بدون داشتن عدالت می‌تواند این اوصاف را داشته باشد؟ به نظر می‌رسد جواب روشن است که امام نمی‌تواند بدون عدالت این مسئولیت‌های مهم را انجام دهد. بنابراین، همین ویژگی‌ها دلیل اشتراط عدالت در امام هست.

دلیل اثباتی اشتراط عدالت امام آن است که امام رضا علیه السلام به آیه‌ای از قرآن کریم استدلال می‌کنند و

که بر تمام امت‌ها به وسیله برهان بر امامت احتجاج کند. «رأس الجالوت»<sup>(۲۶)</sup> گفت: «نشانه چنین امامی چیست؟» امام رضا علیه السلام فرمودند: «به تورات و انجیل و زیور و قرآن حکیم آگاه باشد و برای اهل تورات با تورات خودشان و برای اهل انجیل با انجیل خودشان و برای اهل قرآن با قرآن خودشان حجت آورد و دانا به همه زبان‌ها باشد حتی یک زبان بر او پنهان نباشد و به هر قومی با زبان خودشان برهان آورد و افزون بر همه این ویژگی‌ها، باتقوا و پاکیزه از هر آلودگی و پاک از هر عیبی، عدالت‌پیشه، بانصاف، حکیم، مهربان، باگذشت، پرمحبت، راستگو، نیکوکار، خیرخواه، امین، درستکار، و مدبر باشد: «ثُمَّ يَكُونُ مَعَ هَذِهِ الْخِصَالِ تَقِيًّا تَقِيًّا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ طَاهِرًا مِنْ كُلِّ عَيْبٍ عَادِلًا مُنْصَفًا حَكِيمًا زَوْفًا رَحِيمًا عَفُورًا عَطُوفًا صَادِقًا مُشْفِقًا بَارًا أَمِينًا مَأْمُونًا رَاقِبًا فَاتِقًا.»<sup>(۲۷)</sup>

بر اساس این روایت، ویژگی‌هایی نظیر باتقوا بودن، پاکیزه از هر آلودگی، پاک بودن از هر عیب و عادل بودن، ویژگی‌هایی هستند که بر تعریف عصمت به معنای تام آن نزد شیعه دلالت دارند. از این‌رو، این روایت بر لزوم عصمت (عدالت) امام دلالت دارد. همچنین روشن است که امام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله شامل همه ائمه می‌شود و اختصاصی به حضرت علی علیه السلام ندارد.

۲. امام رضا علیه السلام در تعریف امام این اوصاف را به کار می‌برند: «امام از همه گناهان پاک شده است و از عیب‌ها برکنار «الْإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْمُبْرَأُ عَنِ الْعُيُوبِ»<sup>(۲۸)</sup> ... کانون قداست و پاکی و پرستش و زهد و علم و عبادت است «مَعْدِنُ الْقُدْسِ وَالطَّهَارَةِ وَالنُّشْكِ وَالرَّهَادَةِ وَالْعِلْمِ وَالْعِبَادَةِ»<sup>(۲۹)</sup> ... امام معصوم است، تأیید شده، توفیق یافته، استوار گشته، از هرگونه خطا و لغزش و افتادگی در امان است «وَهُوَ مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ مُوَفَّقٌ مُسَدَّدٌ قَدَّامِنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَلِ وَالْعِثَارِ»...<sup>(۳۰)</sup> این اوصاف بر

به نظر علامه طباطبائی از آیات قرآن معصوم بودن امام استفاده می‌شود. (۳۵) از این رو، بر اساس آیات قرآن، صرف ظلم با رسیدن به امامت منافات دارد، گرچه ظالم (گناهکار) توبه کرده باشد. (۳۶)

دلیل عقلی نیز اثبات می‌کند که امام باید از هر ظلمی معصوم باشد؛ زیرا هدف مهم از نصب کردن هر انسان بر امامت، عینیت بخشیدن به شریعت الهی در جامعه است. از این رو، هرگاه رهبر، مردی نمونه، پاک و دارای پرونده روشن باشد و هیچ گناه و لغزشی از او دیده نشده باشد، هدف از نصب او برای امامت تحقق پیدا می‌کند. لکن هرگاه رهبر دچار لغزش، هرچند سهوی شود، دیگران از او پیروی نمی‌کنند و قلب‌ها به او میل نمی‌کند. (۳۷)

یکی از مصادیق ظلم، شرک به خداست، همچنانکه قرآن کریم به نقل از لقمان، شرک را ظلم می‌شمارد و می‌فرماید: ﴿يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ (لقمان: ۱۳) از این رو، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام برای استدلال به اثبات انحصار خلافت بلافصل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به علی علیه‌السلام به همین آیه مورد بحث استدلال می‌کردند و در حقیقت، به ناشایستگی افرادی که در دوران جاهلیت پت پرست بودند، اشاره می‌کردند، در حالی که به اتفاق شیعه و عامه تنها کسی که یک لحظه در تمام عمر در مقابل بت سجده نکرد علی علیه‌السلام بود.

عبدالله بن مسعود از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که: «خداوند به ابراهیم علیه‌السلام فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾ ابراهیم علیه‌السلام شادمان گشت و گفت: "پروردگارا! آیا از فرزندان من کسی هست که مثل من امام شود؟" خداوند به او وحی کرد: "ای ابراهیم! من عهد امامت را به افراد ظالم [از ذریه‌ات] نخواهم داد." در این هنگام ابراهیم علیه‌السلام عرض کرد: "پروردگارا! چه کسانی از ذریه من "ظالم" هستند؟ فرمود: "هرکس که به جای سجده برای من، برای بتی سجده کند." ابراهیم علیه‌السلام عرض کرد: ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا

می‌فرمایند: «به راستی امامت [مقامی است] که خداوند متعال آن را بعد از مقام نبوت و خلت (خلیل‌اللهی) در مرحله سوم به ابراهیم خلیل اختصاص داد و فضیلتی است که او را به آن شرفیاب نمود و به وسیله آن نامش را بلندآوازه قرار داد و فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾ (بقره: ۱۲۴)؛ به راستی تو را امام مردم قرار دادم. خلیل علیه‌السلام خوشحال شد و عرض کرد: ﴿وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾؛ و از فرزندان من؟ خداوند - عزوجل - فرمود: ﴿لَا يَسْأَلُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾؛ پیمان من به ظالمان نمی‌رسد. این آیه امامت هر ظالم تا روز قیامت را باطل نمود. (۳۲)

بر اساس آیه شریفه و بیان امام رضوان علیه‌السلام، ظلم در این آیه شامل هر نوع ظلم می‌شود؛ اعتقادی و عملی، سهوی (۳۳) و عمدی، در خردسالی و بزرگسالی. یعنی صرف تلبس به ظلم موجب اتصاف به «ظالم» بودن می‌شود. به عبارت دیگر، یک لحظه گناه و نافرمانی سبب می‌گردد که لیاقت این مقام از فرد سلب گردد.

دلیل این سخن آن است که «الظالمین» جمع محلی به «ال» است و افاده عموم می‌کند و شامل همه ظالم‌ها می‌شود و به همین خاطر، ظلم، شامل هر ظلمی می‌شود و چنانکه گذشت، «ظلم» در برابر «عدل» به معنای «چیزی را به جای ویژه خود نهادن» است.

افزون بر آن، اطلاق «الظالمین» به لحاظ حال تلبس است که در آن، قید زمانی وجود ندارد. مرحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان می‌فرماید: «ظالم هر چند توبه هم بکند، آیه در حال ظلمش شامل او نیز می‌شود، [ظالم در حال ظلم، ظالم است و تعبیر آیه شامل او می‌شود]. از این رو، هنگامی که خداوند متعال رسیدن عهد به ظالم در حال ظلمش را نفی کرد، حکم کرده است که امامت به ظالم نمی‌رسد و آیه مطلق است و به وقت خاصی معین نشده است. بنابراین، آیه باید بر همه زمان‌ها حمل شود. در نتیجه، ظالم به امامت نمی‌رسد، گرچه بعداً توبه کند.» (۳۴)

به خاطر عدالت و دیگر شروط امام، امام رضا علیه السلام در حدیث معروف امامت بعد از بیان ویژگی‌های امام، در چندین مورد اختیار امام به دست مردم را نکوهش نموده و انتخاب امام را از توان آنان بیرون شمرده است؛ مانند آنکه می‌فرماید: «فَكَيْفَ لَهُمْ بِاخْتِيَارِ الْإِمَامِ؟»؛<sup>(۴۱)</sup> پس چگونه می‌توانند امام را اختیار کنند؟ افزون بر آن، ایشان بعد از بیان عصمت، تأیید، توفیق و تسدید امام و در امان ماندن ایشان از خطا و لغزش و گناه، ناتوانی مردم از انتخاب چنین فردی را به صورت پرسشی مطرح می‌کنند و می‌فرمایند: «... فَهَلْ يَقْدِرُونَ عَلَى مِثْلِ هَذَا فَيَخْتَارُوهُ أَوْ يَكُونُ مُخْتَارَهُمْ بِهَذِهِ الصَّفَةِ فَيَقْدُمُوهُ؟»؛<sup>(۴۲)</sup> آیا مردم می‌توانند چنین فردی را اختیار کنند؟! یا انتخاب شده آنان این‌گونه است تا او را پیشوای خود سازند؟! سپس خود ایشان جواب می‌دهند که «تَعَدُّوا وَ بَيْتَ اللَّهِ الْحَقَّ وَ تَبَدُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ رَأَى ظُهُورَهُمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَ فِي كِتَابِ اللَّهِ الْهُدَى وَ الشَّقَاءَ»؛<sup>(۴۳)</sup> مردم چنین توانایی نداشتند، لکن به گمان خود، امامی را اختیار کردند. به همین خاطر از حق تجاوز نمودند و کتاب خدا را پشت سر انداختند، گویا که نمی‌دانند، در صورتی که در کتاب خدا هدایت و شفا وجود دارد. سپس امام رضا علیه السلام دلیل روی گرداندن مردم از اختیار و نصب الهی و دلیل انتخاب امام توسط خودشان را پیروی از هواهای نفسانی خود بیان می‌دارند: «فَتَبَدُّوا وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ»؛<sup>(۴۴)</sup>

#### آثار عدالت امام

آثار عدالت امام نیز بر تعریف امامت و عدالت بستگی دارد. با توجه به تعریف امامت و عدالت لازم در امام بر اساس اعتقاد شیعه این سؤال طرح می‌شود که آثار عدالت امام چیست؟ به نظر می‌رسد آثار عدالت امام با لحاظ شئون امامت و وظایف امامت روشن می‌شود. امام در صورتی می‌تواند به وظایف خود عمل نماید و شئون

الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْتُنِبِي وَ بَنِيَّ أَنْ تَعْبُدَ الْأَصْنَامَ رَبِّ إِيَّهِنَّ أَضَلَّلَنِي كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ ﴿﴾ (ابراهیم: ۳۵-۳۶)؛ خداوندا! من و فرزندانم را از پرستش بت‌ها دور مدار. پروردگارا! این بتان [و بت پرستان] بسیاری از مردم را گمراه کرده‌اند. سپس رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «پس دعای ابراهیم شامل من و علی گردید، هیچ‌یک از ما هرگز برای بت سجده نکرد. از این رو، خدا مرا به عنوان "نبی و پیامبر" انتخاب کرده و علی را به عنوان "وصی پیامبر" برگزید.»<sup>(۳۸)</sup>

#### راه کشف عدالت امام

راه کشف عدالت امام نیز به تعریف امامت و عدالت بستگی دارد. با توجه به تعریف امامت و عدالت لازم در امام (عصمت) بر اساس اعتقاد شیعه، این سؤال طرح می‌شود که چگونه می‌توان عدالت امام را کشف کرد؟ آیا مردم (چه عموم مردم و چه نخبگان و به اصطلاح «اهل حل و عقد») می‌توانند عدالت امام را تشخیص داده و امام عادل را مشخص کنند؟

جواب این پرسش نیز روشن است. برخی از عیوب و لغزش‌ها و گناهان امری باطنی و نفسی بوده و هیچ‌کس نمی‌تواند وجود یا نبود آنها را تشخیص دهد و گاهی حتی خود فرد نیز قادر به تشخیص آن نیست. تنها کسی که می‌تواند آن را تشخیص دهد، خدای متعال است که به ظاهر و باطن افراد آگاهی کامل دارد، چنان‌که می‌فرماید: ﴿وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ فِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَ جَهْرَكُمْ وَ يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ﴾ (انعام: ۳)؛ از این رو، به اعتقاد شیعه، امام از طرف خدای متعال نصب می‌شود.<sup>(۳۹)</sup> مرحوم لاهیجی می‌فرماید: «امامیه چون در امام عصمت را شرط دانند و عقول را راهی نیست به معرفت عصمت، بنابر آنکه امری است باطنی خفی، پس واجب باشد ورود نص بر او من عندالله تعالی و مخالفین چون عصمت را شرط ندانند، قایل به وجوب نص نباشند.»<sup>(۴۰)</sup>

طباطبائی «عدالت در مردم و بین مردم این است که هر کسی را در جای خود که به حکم عقل و یا شرع و یا عرف شایسته آن است قرار دهد و نیکوکار را به خاطر احسانش پاداش دهد و بدکار را به خاطر بدی‌اش عقاب نماید و حق مظلوم را از ظالم بستاند و در اجرای قانون تبعیض قایل نشود»<sup>(۴۷)</sup> شاید تعریف عدالت به «دادن حق هر صاحب حقی به او در امور اجتماعی از قبیل سیاست، اقتصاد، حقوق و...» دقیق‌تر بوده و با معنای لغوی آن تناسب بیشتری داشته باشد.

عدالت اجتماعی یکی از ابعاد و مصادیق عدالت به طور کلی و عصمت امام به طور خاص است و چنانکه یاد شد، عصمت به معنای ترک هر نوع زشتی و سهو و خطا چه عمدی و چه سهوی، چه در خردسالی و چه در بزرگسالی نسبت به افراد دیگر است. روشن است که معنای سومی یا به تعبیر دقیق‌تر مصداق سوم که از عدالت ذکر شد، عدالت اجتماعی را بیان می‌کند. معنای سوم عدالت «باز داشتن خود از ستم به مردمان و دفع ظلم دیگران به قدر امکان از ایشان» بود.

### ضرورت عدالت اجتماعی در امام

از دیدگاه شیعه، امام جانشین پیامبر است و همه شرایط، اوصاف و احکامی که در پیامبر وجود دارد، در امام نیز وجود دارد،<sup>(۴۸)</sup> مگر در موارد خاصی که تخصیص شده باشد.<sup>(۴۹)</sup> به عبارت دیگر، امام ادامه‌دهنده راه پیامبر است و امامت، استمرار رسالت. یکی از وظایف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عدالت اجتماعی بود، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ﴾ (شوری: ۱۵) و ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ﴾ (اعراف: ۲۹)

افزون بر پیامبر صلی الله علیه و آله، همه امت مأمور به عدالت اجتماعی هستند، چنانکه می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى﴾ (نحل: ۹۰)

امامت را عملی کند که عادل باشد. بنابراین، اگر امام دارای عدالت نباشد، نه می‌تواند شئون امامت را حفظ کند و نه می‌تواند به وظایف امام جامه عمل پوشاند. در نتیجه، در صورت نبود عدالت در امام، غرض از امامت نقض می‌شود. از آثار مهم عدالت امام در حدیث امام رضا علیه السلام حجت بودن امام بر بندگان خداوند و شاهد خداوند بودن بر بندگان الهی است، چنانکه می‌فرماید: «هُوَ مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ مُوَفَّقٌ مُسَدَّدٌ قَدْ أَمِنَ مِنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَلِ وَالْعِتَارِ يَخْصُهُ اللَّهُ بِذَلِكَ لِيَكُونَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ...»<sup>(۴۵)</sup>

### ابعاد عدالت امام

عدالت امام به دو قسم تقسیم می‌گردد: ۱. عدالت فردی؛ ۲. عدالت اجتماعی.

#### ۱. عدالت فردی

عدالت فردی آن است که انسان به طور کلی و امام به طور خاص، نسبت به خود و در حوزه فردی خویش هر چیزی را در جای مناسب خود قرار دهد و به تعبیر علامه طباطبائی «عدل در عمل فردی انسان آن است که کاری کند که سعادت وی در آن باشد، و کاری که مایه بدبختی است به خاطر پیروی هوای نفس انجام ندهد»<sup>(۴۶)</sup> به عبارت دیگر، یکی از ابعاد و مصادیق عدالت و عصمت امام، ترک هر نوع زشتی و سهو و خطا، چه عمدی و چه سهوی، چه در خردسالی و چه در بزرگسالی در بخش افعال فردی و نسبت به خود امام است.

#### ۲. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی آن است که انسان به طور کلی و امام به طور خاص حقوق افراد دیگر را رعایت کرده و با هرکس مناسب با خود او رفتار نماید. باز به تعبیر علامه



۲. در روایتی که پیش‌تر ذکر شد، امام رضا علیه السلام در حضور شیعیان، متکلمان و دانشمندان کوفه، به ویژه رأس‌الجالت، عالم یهودی، ویژگی «عادل بودن» امام را ذکر می‌کنند. ذکر این ویژگی پس از ذکر ویژگی‌هایی همچون باتقوا بودن، و پاک بودن از هر عیب و نقص از سویی و ظهور معنای عدالت اجتماعی از لفظ «عادل»، دلالت دارد که ظاهراً منظور از «عادل» عادل در امور و حقوق اجتماعی است.

۳. بر اساس روایت محمدبن سنان، امام رضا علیه السلام علت حرمت فرار از جنگ را<sup>(۵۱)</sup> این‌گونه بیان می‌فرماید: «خدا فرار از جنگ در راه او را حرام شمرده است؛ زیرا در آن سستی در دین و سبک شمردن دستور پیامبران و امامان عادل است و نیز فرار از جنگ سبب ترک یاری آنها بر دشمنان و عقوبت برای آنهاست به خاطر انکار آنچه را به سوی او دعوت کرده‌اند؛ از قبیل اقرار به ربوبیت و آشکار ساختن عدالت و ترک جور و از بین بردن فساد. به علاوه، این کار به دشمن جرئت می‌دهد که به مسلمانان حمله کند و اعمال فساد می‌مانند قتل و گرفتن اسیر و ابطال دین خدای - عزوجل - و فسادهای دیگری انجام دهد.»<sup>(۵۲)</sup> بنابراین، امام رضا علیه السلام امامان را به عادل‌ها توصیف می‌کند و یکی از وظایف آنان را آشکار ساختن عدالت بیان می‌دارند. اگر توصیف به عدالت در عدالت اجتماعی ظهور نداشته باشد - که دارد - شامل عدالت اجتماعی می‌شود.

۴. یاسر خادم نقل می‌کند: «روزی مأمون خدمت امام رفت و با خود نامه بزرگی همراه داشت. در حضور امام نشست و نامه را برای امام خواند که درباره فتح برخی از روستاهای کابل بود. در آن نامه آمده بود که ما روستای چنین و چنین و... را فتح کردیم. هنگامی که خواندن نامه پایان یافت، امام به مأمون فرمودند: "فتح روستایی از روستاهای شرک تو را خرسند ساخته است؟" مأمون

نیز حاکم اسلامی به عدالت امر شده است، چنان‌که می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾ (نساء: ۵۸)  
قرآن کریم یکی از اهداف اساسی فرستادن پیامبران و فرود آوردن کتاب و میزان را قیام مردم به عدالت بیان می‌دارد و می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید: ۲۵)  
و روشن است که تا هنگامی که خود پیامبران و ائمه علیهم السلام عدالت اجتماعی را اجرا نکنند، مردم آن را اجرا نخواهند نمود.  
امام رضا علیه السلام عدالت اجتماعی را برای امام ضروری دانسته و آن را شرط لازم امامت می‌داند. برخی از روایاتی که در این باره وجود دارد، به قرار زیرند:

۱. جمعی از صوفیه در خراسان بر امام علیه السلام وارد شدند و گفتند: خلیفه عباسی خاندان شما و از میان آنها شما را برگزیده تا مقام ولایت و خلافت را به شما واگذار کند که شایستگی آن را دارید، ولی امت اسلامی نیازمند به رهبری است که لباس خشن بپوشد! و غذای ناگوار تناول کند! و بردار گوش سوار شود و بیماران را عیادت نماید! حضرت که تا آن وقت تکیه داده بودند، با شنیدن این سخن دو زانو نشستند و فرمودند: «یوسف علیه السلام پیامبر بود، در حالی که لباس‌های زیبا و زربفت می‌پوشید و بر متکای خاندان فرعون تکیه می‌زد و حکومت می‌کرد. [رهبری شایسته به آن نیست که شما گمان کرده‌اید، بلکه] تنها از امام عدالت و دادگستری خواسته می‌شود. هنگامی که سخن گوید، راست بگوید و هنگامی که حکم کند، عدالت را رعایت کند و هنگامی که وعده داد، به وعده وفا نماید. خداوند لباس و غذا را بر کسی حرام نکرده است. و آن‌گاه این آیه را تلاوت فرمود: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾ (اعراف: ۳۲)؛ بگو چه کسی حرام کرده است زینت‌هایی را که خداوند برای بندگان خود قرار داده و رزق نیکو را؟»<sup>(۵۰)</sup>

۱. امام رضا علیه السلام در پشت عهدنامه مأمون به ایشان به خط خویش چنین نوشتند: «... با خدای خود عهد بسته‌ام که اگر رهبری مسلمانان را به دستم دهد نسبت به همه مسلمانان به ویژه با بنی عباس بر اساس اطاعت خدا و رسولش صلی الله علیه و آله رفتار کنم و هرگز خونی را نریزم و مال و ناموس مردم را حفظ کنم، مگر کسی را که حدود خداوند خون وی را بریزد و واجبات خداوند خون او را مباح شمارد و به اندازه کفایت و توانایی خود کوشش خواهم کرد، و با نفس خود پیمان محکمی بستم که خداوند از من نسبت به آن سؤال خواهد کرد، خداوند - عزوجل - می‌فرماید: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ اسراء: ۳۴؛ به پیمان‌ها وفا کنید که خداوند از پیمان‌ها بازخواست می‌کند...» (۵۶)

امام علیه السلام با ذکر این سخنان، هم رفتار و عدالت اجتماعی خود نسبت به عموم مسلمانان و بنی عباس را بیان می‌دارند، و هم معیار آن را دستورات الهی و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله ذکر می‌کنند، همچنان‌که جد بزرگوارشان امیر المؤمنین علی علیه السلام در شورای شش نفری برای تعیین خلیفه، معیار کار خویش را کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر کردند و به هیچ وجه عمل به سیره شیخین را نپذیرفتند. (۵۷) گویا امام علیه السلام می‌خواستند رفتار خلفای بنی عباس را زیر سؤال برند.

۲. محمد بن ابی‌عباد نقل می‌کند: «بعد از کشته شدن فضل بن سهل، مأمون در حالی که گریه می‌کرد، حضور امام رضا علیه السلام رسید و به ایشان گفت: "این زمان، هنگام نیاز من به توسل ای ابالحسن؟ در امور نظارت کنی و مرا یاری رسانی." امام رضا علیه السلام فرمود: "تدبیر بر عهده توسل ای امیر المؤمنین! و بر عهده ما دعاست." هنگامی که مأمون خارج شد، به امام رضا علیه السلام عرض کرد: "خدا شما را عزیز کند، چرا آنچه را که امیر المؤمنین به شما گفتند، تأخیر انداختید و رد نمودید؟!" ایشان فرمود: "وای بر تو

گفت: "آیا این خبر خوشحالی ندارد؟" امام فرمودند: "ای امیرمؤمنان! (۵۳) نسبت به امت محمد صلی الله علیه و آله و در حکومتی که خدا به تو داده است و تو را برگزیده است، پرهیزگار باش. تو امور مسلمانان را ضایع ساخته و آن را به غیر خود سپرده‌ای که در آنان به غیر حکم خدا حکم می‌کنند... روزگاری بر مظلوم می‌آید که به سختی می‌گذراند و وی از تأمین مخارج زندگی ناتوان است و کسی را نمی‌یابد که شکایت نزد او و نزد تو برد...» (۵۴)

بر اساس این روایت، امام رضا علیه السلام وظیفه مأمون را به عنوان حاکم اسلامی عدالت اجتماعی و رفع مشکلات اقتصادی مسلمانان بیان می‌دارد، نه کشورگشایی و فتوحات تازه و افزودن بر قلمرو جغرافیایی کشور اسلام، بدون اینکه محتوای اسلام و جوهر دین که عدالت است، نادیده گرفته شود. بنابراین، این سفارش صرفاً به مأمون بما هو مأمون نیست، بلکه از جهت حاکم اسلامی بودن است. به همین دلیل، از این روایت نیز استفاده می‌شود که یکی از وظایف امام به عنوان حاکم اسلامی عدالت اجتماعی است. افزون بر آن، وقتی مأمون که امام نیست، به خاطر عدم اجرای عدالت اجتماعی مورد ملامت امام قرار می‌گیرد، به طریق اولی بر اساس بیان امام علیه السلام وظیفه امام در صورت در دست داشتن حکومت، عدالت اجتماعی است.

۵. حسن بن علی بن فضال از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: «ما اولیای مؤمنان هستیم تنها به سود آنان حکم می‌کنیم و حقوق آنان را از دستمگران می‌گیریم و برای خودمان نمی‌گیریم.» (۵۵)

### عدالت اجتماعی امام رضا علیه السلام در صورت حکومت

هرچند امام رضا علیه السلام عملاً متصدی مسئولیت حکومتی نشدند تا عدالت اجتماعی آن حضرت در مقام عمل برای ما روشن شود، لکن می‌توانیم از خلال بیانات آن حضرت تا حدی به این موضوع پی ببریم.

حضرت در میان ما حق و باطل را از هم جدا کرده و کارهای نیک و زشت را جزا می‌دهد.

هنگامی که دعبل این ابیات را قرائت کرد، به شدت اشک از چشمان مبارک امام رضا علیه السلام جاری شد و بعد از آن سر مبارک را بلند کرد و نگاه خود را به سوی دعبل دوخت و فرمود: «ای خزاعی، این دو بیت را روح القدس بر زبان جاری کرد. آیا می‌دانی این امام کیست و کی ظهور خواهد کرد؟ عرض کرد: نه ای مولای من! اما شنیده‌ام امامی از شما خاندان ظهور خواهد کرد و زمین را از آلودگی‌ها و فساد پاک نموده و از قسط و عدالت پر خواهد کرد. امام رضا علیه السلام فرمود: ای دعبل، امام بعد از من پسر محمد می‌باشد و بعد از محمد فرزندش علی و بعد از علی فرزندش حسن، و بعد از او فرزندش حجت قائم علیه السلام امام می‌باشد. در غیبت او شیعیان انتظارش را می‌کشند و هنگام ظهور، اطاعتش خواهند نمود، اگر از عمر دنیا نماند، مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا آن حضرت خروج نماید و زمین را پر از عدل و داد کند چنان‌که از ظلم و جور پر شده بود: «فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.» (۵۹)

۲. ریان بن صلت گوید: «از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود: آری! من صاحب این امر هستم؛ اما نه آن کسی که جهان را از عدالت پر کند، همچنان‌که از ستم آکنده شده بود. من چگونه دارای این ویژگی باشم در حالی که ناتوانی بدنم را می‌بینی؟! همانا حضرت قائم علیه السلام کسی است که هر گاه قیام کند در سن پیران و صورت جوانان است، بدنی قوی دارد، به گونه‌ای که اگر دستش را به سوی بزرگ‌ترین درخت روی زمین دراز کند، آن را می‌کند و اگر میان کوه‌ها فریاد کند، صخره‌های آنها می‌لرزد، عصای موسی و انگشتر سلیمان با اوست. وی فرزند چهارم از اولاد است، خداوند او را

ای ابا حسن! در اندیشه این امر (خلافت) نیستم." سپس وقتی مرا دید که غمگین شدم، به من فرمود: "از این کار چه می‌جویی؟ اگر این کار (خلافت) به آنجا که می‌گویی بازگردد (و در دست من قرار گیرد) و آن هنگام تو همین‌گونه باشی که اکنون با من هستی، تو تنها به اندازه خود بهره‌ای خواهی داشت و یکی همچون دیگر مردم خواهی بود.» (۵۸)

امام با این سخن، به او توجه داد که اولاً، شرایط موجود، برای بازگشت حکومت به جایگاه حقیقی‌اش، یعنی امام وجود ندارد و به همین دلیل، امام اراده‌ای جدی و واقعی برای این کار ندارد. ثانیاً، در صورت دست یافتن به حکومت، میان نزدیکان خود با دیگر مردم تفاوتی قابل نخواهد شد.

### عدالت اجتماعی جهانی حضرت مهدی (عج)

بر اساس آیات و روایات فراوان، حضرت مهدی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد ساخت و عدالت اجتماعی به تمام معنا به دست مبارک حجت الهی تحقق پیدا خواهد کرد. یکی از موضوعات بیانات امام رضا علیه السلام همانند سایر ائمه و اولیای دین علیهم السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام و ظهور ایشان و تحقق عدالت به دست بابرکت ایشان است. نمونه‌هایی از بیانات ایشان عبارتند از:

۱. عبدالسلام بن صالح هروی نقل می‌کند: «دعبل در محضر امام رضا علیه السلام قصیده‌ی خود را خواند، تار سینه به این ابیات: خُرُوجُ إِمَامٍ لَّا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَفُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ يَمِيزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَ يَجْزِي عَلَى النُّعْمَاءِ وَ النِّقَمَاتِ

ترجمه: بدون شک، امام قائم (عج) خروج خواهد کرد؛ قیام او با نام خدا و به همراه برکات خواهد بود. آن

### نتیجه‌گیری

از مطالبی که بیان شد مطالب ذیل روشن گردید:

۱. امامت، ریاست عام در امور دین و دنیا برای شخصی به عنوان جانشین رسول‌الله ﷺ است و امام همه و ویژگی‌های رسول‌الله ﷺ جز موارد خاص را دارد.
۲. عدالت در لغت به معنای «هر چیزی را به جای خود نهادن، یا هر کاری را به وجه شایسته انجام دادن» است.
۳. منظور از عدالت امام، «عصمت» رایج در علم کلام است که «ترک هر نوع زشتی و سهو و خطا، چه عمدی و چه سهوی، چه در خردسالی و چه در بزرگسالی» می‌باشد که مصداق کامل معنای جامع «عدالت» است.
۴. بر اساس روایات متعدد از امام رضا علیه السلام، عدالت، شرط امام است.
۵. افزون بر آنکه اقتضای امامت و جانشین واقعی بودن امام به جای رسول اکرم ﷺ عدالت امام است، دلیل اشتراط عدالت در امام، استدلال امام رضا علیه السلام به سخن خدای متعال است که می‌فرماید: ﴿لَا يَسْأَلُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾.
۶. بر اساس فرمایش امام رضا علیه السلام، تنها خدای متعال می‌تواند عدالت را تشخیص دهد و مردم نمی‌توانند آن را تشخیص دهند.
۷. افزون بر آنکه آثار عدالت امام، انجام وظایف امام و رعایت شئون امامت است، امام رضا علیه السلام اثر عدالت امام را حجت بودن امام بر بندگان خداوند و شاهد خداوند بودن بر بندگان الهی ذکر می‌کنند.
۸. عدالت به دو بعد فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود.
۹. یکی از مصادیق «عدالت» در حوزه اجتماع و یکی از ابعاد «عصمت»، «عدالت اجتماعی» می‌باشد که عبارت است از: «دادن حق هر صاحب حقی به او در امور اجتماعی از قبیل سیاست، اقتصاد، حقوق و...».
۱۰. بر اساس آیات قرآن و روایات نقل شده از امام

در پرده خود پنهان کند، هر چقدر بخواهد و سپس او را آشکار کند و جهان را از عدل و قسط پر کند همچنان‌که از ستم پر شده بود: «ثُمَّ يَطْهَرُهُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا.» (۶۰)

۳. حسین خالد از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: «کسی که ورع نداشته باشد، دین ندارد و کسی که تقیه نکند، ایمان ندارد، کریم‌ترین شما نزد خداوند داناترین شما به تقیه است. به ایشان گفته شد: ای فرزند رسول خدا تا کی؟ فرمود: تا روز وقت معلوم و آن، روز خروج قائم ما اهل بیت علیهم السلام است. کسی که تقیه را پیش از خروج قائم ما ترک کند، از ما نیست. به ایشان گفته شد: ای فرزند رسول خدا ﷺ شما اهل بیت علیهم السلام چه کسی است؟ فرمود: چهارمین از فرزندان من که پسر خانم کنیزان است، کسی که خداوند به وسیله او زمین را از هر جور پاک می‌کند و هر ظلمی را پاک می‌کند «طَهَّرَ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ يَقْدَسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ» و کسی است که مردم در ولادتش شک می‌کنند و او صاحب غیبت پیش از خروجش است، هنگامی که خروج کند، زمین با نور او روشن می‌شود و میزان عدل میان مردم گزارده می‌شود و هیچ‌کس به کسی ستم نمی‌کند «وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا» و او کسی است که زمین برای او گسترده می‌شود و برای او سایه‌ای وجود ندارد و او کسی است که منادی از آسمان ندا می‌کند و به سوی ایشان می‌خواند به گونه‌ای که همه اهل زمین آن را می‌شنوند و می‌گویند: «آگاه باشید البته حجت خدا نزد خانه خدا ظهور کرده و از او پیروی نمایید، به راستی حق با اوست و در اوست» و آن سخن خدای - عزوجل - است که می‌فرماید: ﴿إِنْ نَشَأْ نُنزِلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ (شعراء: ۴) (۶۱)

- رضی علیه السلام، عدالت اجتماعی امام ضرورت دارد.
۱۱. امام رضا علیه السلام عدالت اجتماعی خود در صورت حکومت را بیان فرموده بودند.
۱۲. بر اساس روایات امام رضا علیه السلام، تحقق بخشنده عدالت اجتماعی جهانی، حضرت مهدی علیه السلام است.
- پی‌نوشت‌ها**
- ۱- تشکیل جلسات مناظره توسط مأمون و مناظره پیرامون مسائل اختلافی میان شیعه و سنی یا اسلام و غیراسلام شاهد این ادعاست.
- ۲- احمدبن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، ج ۴، ص ۲۴۶، ذیل واژه «عدل».
- ۳- همان؛ اسماعیل بن حماد جوهری، **الصحاح**، ج ۵، ص ۱۷۱، ذیل واژه «عدل».
- ۴- راغب اصفهانی، **مفردات غریب القرآن**، ص ۳۲۵، ذیل واژه «عدل».
- ۵- محمدتقی مصباح، **آموزش عقاید**، ج ۱-۲، ص ۱۹۲.
- ۶- راغب اصفهانی، همان، ص ۳۱۵، ذیل واژه «ظلم».
- ۷- جلال‌الدین محمد بلخی رومی، **مثنوی معنوی**، دفتر ششم، ص ۱۰۳۷.
- ۸- حسن مصطفوی، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، ج ۸، ص ۵۵.
- ۹- سید محمدحسین طباطبائی، **المیزان**، ج ۱۲، ص ۳۳۱.
- ۱۰- رک: محمدرضا مظفر، **عقاید امامیه**، ص ۶۷.
- ۱۱- عبدالرزاق لاهیجی، **گوهر مراد**، ص ۳۳۰.
- ۱۲- محمدرضا مظفر، همان، ص ۶۷.
- ۱۳- احمد نراقی، **معراج السعادة**، ج ۲، ص ۸۷.
- ۱۴- همان، ص ۳۷۰.
- ۱۵- احمد نراقی، **مستند الشیعه**، ج ۱۸، ص ۶۴ و ۹۱.
- ۱۶- رک: همان، ص ۹۱.
- ۱۷- علی اکبر دهخدا، **لغت‌نامه**، ذیل کلمه «امامت».
- ۱۸- علی بن محمد جرجانی، **شرح‌المواقف**، ج ۸، ص ۳۴۵.
- ۱۹- عبدالرزاق لاهیجی، همان، ص ۳۲۹؛ سیدعلی میلانی، **الامامة فی اهم‌الکتب الکلامیه**، ص ۴۴.
- ۲۰- محمدبن علی صدوق، **عیون اخبارالرضی علیه السلام**، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۷.
- ۲۱- حسن بن یوسف حلّی، **کشف‌المراد فی شرح تجریدالاعتقاد**، تحقیق حسن حسن‌زاده آملی، ص ۴۷۲؛ محمدرضا مظفر، همان، ص ۶۷.
- ۲۲- ابی‌بکر باقلانی، **التمهید**، ص ۱۸۱، به نقل از: عبدالحسین امینی، **الغدیر**، ج ۷، ص ۱۳۷؛ سعدالدین تفتازانی، **شرح‌المقاصد**، ج ۵، ص ۲۳۳.
- ۲۳- ابی‌بکر باقلانی، همان، ص ۱۸۶، به نقل از: عبدالحسین امینی، همان، ج ۷، ص ۱۳۷.
- ۲۴- سعدالدین تفتازانی، همان، ج ۵، ص ۲۳۳.
- ۲۵- عضدالدین ایجی، **المواقف**، ج ۳، ص ۵۸۵.
- ۲۶- رأس‌الجالوت لقب عامی برای دانشمندان یهودی است.
- ۲۷- قطب‌الدین راوندی، **الخرائج و الجرائح**، ج ۱، ص ۳۵۰.
- ۲۸- محمدبن علی صدوق، **عیون اخبارالرضی علیه السلام**، ج ۱، ص ۱۹۷.
- ۲۹- همان، ص ۱۹۸.
- ۳۰- همان، ص ۱۹۹.
- ۳۱- همان، ص ۱۹۶-۱۹۷.
- ۳۲- همان، ص ۱۹۶.
- ۳۳- منظور از «ظلم سهوی» هرگونه ظلمی است که از روی سهو صورت گیرد؛ مانند آنکه کسی از روی سهو، مال دیگری را بخورد یا به وعده خود عمل نکند. روشن است، ظلمی که از روی سهو صورت گیرد، قبیح فعلی دارد، نه قبیح فاعلی؛ چراکه قبیح فاعلی هنگامی است که فاعل از روی اختیار آن را انجام دهد و در صورت سهو، اختیاری وجود ندارد.
- ۳۴- فضل‌بن حسن طبرسی، **مجمع‌البیان**، ج ۱، ص ۳۸۰-۳۸۱.
- ۳۵- ایشان با ضمیمه نمودن آیات ذیل، این نکته را استفاده نموده‌اند: انبیاء: ۷۳؛ سجده: ۲۴؛ انعام: ۷۵؛ ناکثر: ۵-۶؛ یونس: ۳۵.
- ۳۶- رک: سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۱، ص ۲۷۲-۲۷۵.
- ۳۷- رک: جعفر سبحانی، **الالهیات علی هدی کتاب و السنة و العقل**، ج ۴، ص ۱۲۴-۱۲۵.
- ۳۸- محمدبن حسن طوسی، **الامالی**، ص ۳۷۹.
- ۳۹- رک: محمدبن یعقوب کلینی، **الکافی**، کتاب الحجّة، ج ۱، ص ۲۷۷.
- ۴۰- عبدالرزاق لاهیجی، همان، ص ۳۳۴-۳۳۵.
- ۴۱- محمدبن علی صدوق، **عیون اخبارالرضی علیه السلام**، ج ۱، ص ۱۹۸.
- ۴۲- همان، ص ۱۹۹.
- ۴۳- همان، ص ۱۹۹-۲۰۰.
- ۴۴- همان، ص ۲۰۰.
- ۴۵- همان، ص ۱۹۹.
- ۴۶- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۱۲، ص ۳۳۱.
- ۴۷- همان.
- ۴۸- مانند عصمت که مشترک میان امام و پیامبر است.
- ۴۹- مانند نزول وحی قرآنی بر رسول‌الله صلی الله علیه و آله یا آنکه برای رسول‌الله صلی الله علیه و آله جایز بود که بیش از چهار زن دائم اختیار کنند، در حالی که برای ائمه علیهم‌السلام جایز نیست.
- ۵۰- علی بن عیسی اربلی، **کشف‌الغمة**، ج ۳، ص ۱۰۳.
- ۵۱- بر اساس آیه کریمه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمُ الْأُدْبَارَ﴾ (انفال: ۱۵) فرار از جنگ حرام است.
- ۵۲- محمدبن علی صدوق، **عیون اخبارالرضی علیه السلام**، ج ۲، ص ۹۹.

- ۵۳- تعبیر «امیرالمؤمنین» از جانب امام رضا علیه السلام نسبت به مأمون از مظلومیت امام رضا علیه السلام و ناچاری ایشان در کاربرد این لقب دلالت دارد و انسان را ناراحت می‌سازد. در ضمن، عبارت «امیرمؤمنان» دارای کنایه است که به نوعی مأمون را به خاطر اشتباهش توبیخ کند.
- ۵۴- محمدبن علی صدوق، **عیون اخبار الرضا علیه السلام**، ج ۲، ص ۱۷۰.
- ۵۵- همان، ج ۲، ص ۹۲.
- ۵۶- علی بن عیسی اربلی، همان، ج ۳، ص ۱۲۸-۱۲۹.
- ۵۷- سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، **شرح احقاق الحق**، ج ۱۸، ص ۵.
- ۵۸- محمدبن علی صدوق، **عیون اخبار الرضا علیه السلام**، ج ۲، ص ۱۷۵-۱۷۴.
- ۵۹- همان، ج ۲، ص ۲۹۷.
- ۶۰- محمدبن علی صدوق، **کمال‌الدین و تمام‌النعمه**، ص ۳۷۶.
- ۶۱- همان، ص ۳۷۱-۳۸۲.
- ..... منابع
- ابن‌فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، بیروت، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- اربلی، علی بن عیسی، **کشف الغمّة**، بیروت، دارالاضواء، بی‌تا.
- امینی، عبدالحسین، **الغدیر**، ط. الرابعة، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۹۷ق.
- ایجی، عضدالدین، **المواقف**، بیروت، دارالجلیل، ۱۴۱۷ق.
- بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، **مثنوی معنوی**، تهران، آبیاری، ۱۳۷۸.
- تفتازانی، سعدالدین، **شرح المقاصد**، قم، شریف رضی، ۱۴۰۹ق.
- جرجانی، علی بن محمد، **شرح‌المواقف**، مصر، مطبعة السعادة، ۱۳۲۵ق.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية**، ط. الرابعة، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، **کشف‌المراد فی شرح تجرید‌الاعتقاد**، تحقیق حسن حسن‌زاده آملی، ط. السابعة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- دهخدا، علی‌اکبر، **لغت‌نامه**، تهران، دانشگاه تهران، بی‌تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب‌القرآن**، ط. الثانية، بی‌جا، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
- راوندی، قطب‌الدین، **الخرائج و الجرائح**، قم، مؤسسة الامام المهدي، ۱۴۰۹ق.
- سبحانی، جعفر، **الالهیات علی هدی کتاب و السنة و العقل**، ط. الثالثة، قم، المركز العالمی للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۲ق.
- صدوق، محمدبن علی، **تمام‌الدین و کمال‌النعمه**، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۶۳.
- ، **عیون اخبار الرضا علیه السلام**، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
- طباطبائی، سید محمدحسین، **المیزان**، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، بی‌تا.
- طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع‌البیان**، ط. الثالثة، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طوسی، محمدبن حسن، **الامالی**، قم، دارالثقافة للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب، **الکافی**، ط. الخامسة، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳.
- لاهیجی، عبدالرزاق، **گوهر مراد**، تهران، کتابفروشی اسلامیه، بی‌تا.
- مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین، **شرح احقاق الحق**، قم، منشورات مکتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ۱۴۰۵ق.
- مصباح، محمدتقی، **آموزش عقاید**، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
- مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم**، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۶۰.
- مظفر، محمدرضا، **عقاید امامیه**، قم، انصاریان، بی‌تا.
- میلانی سید علی، **الامامة فی اهم‌الکتب‌الکلامیة**، قم، منشورات الشریف‌الرضی، ۱۳۷۲.
- نراقی، ملّا احمد، **معراج السعادة**، ج پنجم، تهران، هجرت، ۱۳۷۷.
- ، **مستند الشیعة**، بیروت، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۹ق.